

The role of the judiciary in maintaining the position and security of judges with emphasis on Article 164 of the Constitution

Hossein Mozafari¹, Rooh Allah Rahimi², Mahdi Sheikh Movahed³, Mohammad Moghadamfar⁴

Abstract

Field and Aims: The independence of judges and judicial justice systems has deep roots in jurisprudence and religious beliefs. In Iran, the legislator of our country, based on the constitution which is rooted in Islamic jurisprudence, has foreseen the independence of the judiciary and the judge in the constitution, and this law has guaranteed the independence of this branch. The independence of the judge and judicial system is considered as a principle of fair and just proceedings in all the legal systems of the world today and it is a basic guarantee for the realization of a fair trial without which the realization of justice is not possible.

Method: The present research was carried out using a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: The independence of judicial authorities has been accepted in international documents and Iran's legal system, in the principles of the constitution, which shows the freedom of the judge from any interference and influence of other authorities. Judicial independence means that the judicial system, especially the judge, is not influenced by non-legal factors and the prohibition of the intervention of those with power and wealth in the proceedings. Since the observance of this principle is considered a prerequisite for the administration of justice, the protection of citizens' rights and the provision of their legitimate freedoms, its observance has been the subject of consensus in all legal systems, although different guarantee mechanisms have been used. Therefore, despite the existence of legal provisions, the principle of judicial independence in Iran's legal system has not been fully actualized and has fundamental flaws that require the amendment of some relevant laws in this regard, so that, as a result, the principle of judicial independence in Iran's legal system is also international law to be realized.

Keywords: independence of the judge, security of judges, fair trial, judicial security.

*Citation (APA): Mozafari, H., Rahimi, R., Sheikh Movahed, M., Moghadamfar, M. (2022). The role of the judiciary in maintaining the position and security of judges with emphasis on Article 164 of the Constitution, 15(55), 647-664.

https://alr.ctb.iau.ir/article_691399.html?lang=en

1. Ph.D student in Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Email: Mozafari13540703@gmail.com

2. Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (author)

Email: Rahimi.mehr48@yahoo.com

3. Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Email: MR5661@gmail.com

4. Department of Law, Noorabad Branch, Islamic Azad University, Noorabad, Iran.

Email: M.moghadamfar@gmail.com

نقش تشکیلات قضایی در حفظ جایگاه و امنیت قضات با تأکید بر اصل ۱۶۴ قانون اساسی

حسین مظفری^۱، روح اله رحیمی^۲✉، مهدی شیخ موحد^۳، محمد مقدم فر^۴

چکیده

زمینه و هدف: استقلال قاضی و دستگاه‌های عدالت قضایی ریشه‌های عمیق در فقه و باورهای دینی دارد. در ایران قانون گذار کشورمان به تأسی از قانون اساسی که ریشه در فقه اسلامی دارد، استقلال قوه قضائیه و قاضی را در قانون اساسی پیش‌بینی و این قانون، استقلال این قوه را تضمین نموده است. استقلال قاضی و دستگاه قضایی، امروزه در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا به‌عنوان یک اصل دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار می‌رود و تضمینی اساسی برای تحقق دادرسی عادلانه است که بدون آن تحقق عدالت میسر نیست.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: استقلال مقامات قضایی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران، در اصول قانون اساسی مورد پذیرش قرار گرفته که این امر مبنای آزادی قاضی از هرگونه مداخله و تأثیرپذیری مقامات دیگر قوا است. استقلال قضایی به معنای عدم تأثیرپذیری دستگاه قضایی و به‌ویژه قاضی از عوامل غیرحقوقی و منع مداخله صاحبان قدرت و ثروت در فرآیند رسیدگی است. از آنجاکه رعایت این اصل پیش شرط اجرای عدالت، حفاظت از حقوق شهروندان و تأمین آزادی‌های مشروع آنان دانسته شده، رعایت آن مورد اجماع تمام نظام‌های حقوقی بوده، هرچند سازوکارهای تضمین متفاوتی به کار گرفته شده است. بنابراین، به‌رغم وجود مقررات قانونی، اصل استقلال قضایی در نظام حقوق ایران به فعلیت کامل نرسیده و دارای ایراداتی بنیادین می‌باشد که لازمه آن اصلاح برخی قوانین مربوطه در این خصوص می‌باشد تا به تبع آن، اصل استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران نیز به‌مانند نظام حقوق بین‌الملل محقق گردد.

کلیدواژه‌ها: استقلال قاضی، امنیت قضات، دادرسی عادلانه، امنیت قضایی.

* استناددهی (APA): مظفری، حسین؛ رحیمی، روح‌اله؛ شیخ موحد، مهدی؛ مقدم فر، محمد. (۱۴۰۱). نقش تشکیلات قضایی در حفظ جایگاه و امنیت قضات با تأکید بر اصل ۱۶۴ قانون اساسی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۵)، ۶۶۴-۶۴۷.

https://alr.ctb.iau.ir/article_691399.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه: Mozafari13540703@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Rahimi.mehr48@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. رایانامه: MR5661@gmail.com

۴. گروه حقوق، واحد نورآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد، ایران. رایانامه: M.moghadamfard@gmail.com

مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران، قضاوت و چگونگی قضات و شیوه دادرسی، شدیداً متأثر از تفکر و تلقی اسلامی است، و طبق قانون اساسی، دستگاه قضایی باید در تشکیل دادگاه‌ها و شیوه دادرسی و قوانین و مقررات مورد عمل و انتخاب قضات بر اساس موازین اسلامی عمل نماید.

دادرسی عادلانه، در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی و داخلی کشورهای بسیاری مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. رعایت اصول دادرسی عادلانه به هیچ وجه به معنی ارفاق به کسی نیست، بلکه رعایت این اصول در رسیدگی‌ها موجب می‌شود در برخورد با اصحاب دعوا انسانیت افراد فراموش نشده و عدالت و انصاف در حق آنان رعایت شود. رعایت این حق نشانگر آن است که جامعه به آن حد از عقلانیت رسیده که می‌خواهد از اشتباه، سوءاستفاده و غرض‌ورزی جلوگیری کند. برخلاف آنچه معمول است، دادرسی عادلانه تضمین حقوق دفاعی متهم نیست، بلکه دادرسی عادلانه در معنای دقیق خود، به دنبال حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های تمامی افرادی است که به‌نوعی در فرآیند دادرسی سهیم هستند. حفاظت از این حقوق نیز نه تنها در جلسه‌ی دادرسی ضروری است، بلکه امری عام است که همه‌ی مباحث مربوط به تشکیلات دادگستری، جلسه دادرسی، صدور حکم، تضمینات بعد از حکم و اجرای حکم را شامل می‌شود.

استقلال قضات تحت مفهومی عام‌تر با عنوان استقلال قوه قضائیه و نهاد دادگستری مطرح می‌شود و یکی از اصول مسلم دادرسی عادلانه است. لازمه‌ی اجرای عدالت این است که قضات و مجریان عدالت بتوانند بدون فشار و اعمال نفوذ به وظایف خود عمل کنند. وجود نظام قضایی کارآمد و شایسته، لازمه‌ی رعایت کرامت انسانی متهمان در رسیدگی به اتهامات آنان است. تشکیلات قضایی کارآمد و شایسته مستلزم رعایت اصولی است تا متهم در سایه آن‌ها بتواند از خود دفاع کند. تأمین این حقوق انسانی در کلام خدا و قوانین داخلی به‌ویژه قانون اساسی و اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است برای مثال خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۲۶ سوره ص فرموده است: «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق...» به همین اعتبار و منزلت بوده که در دین مبین اسلام قاضی از جایگاه و شأن والایی برخوردار است و شخصی را یارای اعمال نفوذ در تصمیمات او نبوده است از سوی دیگر در اسناد بین‌المللی خصوصاً ماده ده اعلامیه جهانی حقوق بشر، قسمتی از بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین بخشی از بند یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دادرسی عادلانه و استقلال قضات اشاره نموده است اما در عادلانه‌ترین قانون داخلی یعنی قانون اساسی با در نظر گرفتن اصول ۶۱، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۳، ۱۷۴ قانون مذکور با برجسته نمودن موقعیت قوه قضائیه و استقلال قضایی قضات نوعی نقش و جایگاه متفاوتی با استقلال عملی سایر دستگاه‌ها قائل شده است. در ایران نیز قانون‌گذار در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت مدنی قاضی را مورد

شناسایی قرار داد. البته پذیرش ضمان قاضی در تمامی موارد تقصیر، حتی بدون سوءنیت و تعمد در حصول ضرر، متناسب با این شغل مهم و خطیر نیست، زیرا موجب عدم تصدی این شغل به وسیله افراد شایسته و درنهایت منجر به تعطیلی قضا خواهد شد. (مهرپور، ۱۳۹۴: ۳۳۳-۳۳۴)

۱. بررسی و تحلیل استقلال و امنیت قضایی قضات

بشر متمدن برای رسیدگی به دعاوی میان افراد، نهادی به نام نهاد قضایی را تشکیل داد تا بتواند از این طریق عدالت نقض شده را جبران کند و آن را حتی المقدور اعاده نماید برای این منظور و علاوه بر ساختار مادی نیاز به اصول ماهوی نیز انکارناپذیر بوده است. استقلال نهاد قضایی برای دادرسی عادلانه ضروری است. و این بدان معناست که قضات هر پرونده در تصمیم گیری موضوعات، بی طرفانه و بر اساس حقایق پرونده و بر اساس قانون، بدون هیچ گونه دخالت، فشار یا نفوذ ناروا از هر بخش از حکومت یا سایر بخش‌ها آزاد باشند و همچنین انتخاب قضات بر اساس تخصص حقوقی شان باشد. (طه و اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹) استقلال قضایی به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اول استقلال سازمان قضایی و دوم استقلال در تصمیم گیری قضایی. (استقلال قضات) مهم ترین بعد استقلال سازمانی، بعد ساختاری آن است، به نحوی که اعمال نفوذ و وارد کردن فشار بر قضات حتی در درون قوه قضاییه نیز امکان پذیر نباشد. (حیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶) شایان ذکر است منظور از اعمال نفوذ، مداخله در تصمیم گیری و رای دادگاه است به صورتی که دادگاه نتواند بر اساس ادله موجود و قانون رای خود را صادر نماید. صدور آرای وحدت رویه از دیوان عالی کشور و نقض رای دادگاه‌های بدوی در دادگاه‌های بالاتر از اعمال نفوذ و مداخله در دادگاه‌های بدوی محسوب نمی‌شود، زیرا قانون گذار این موارد را برای جلوگیری از تضییع حقوق افراد پیش‌بینی نموده است. در بعد استقلال قضایی نیز، قضات دادگاه باید تنها بر طبق قرائن موجود و قانون حکم خود را صادر نمایند و از در نظر گرفتن هرگونه ملاحظه‌ی غیر حقوقی که سبب تضییع حق می‌گردد، خودداری نمایند.

قانون اساسی کشورها در راستای جلوگیری از هرگونه مداخله و تأثیرپذیری این نهاد از سایر نهادها و اشخاص، سازوکاری را معین نموده‌اند. بنیادی‌ترین ابزار برآوردن این هدف، اصرار بر تفکیک قواست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به این مهم اشاره دارد. در اصل ۱۵۶ اعلام شده است که قوه قضاییه قوه مستقل است. سؤال این است استقلال قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه تضمین شده است؟ و مرجع تضمین کننده استقلال قوه قضاییه چه نهادی است؟

۱-۱. مفهوم استقلال قضایی

قانون اساسی، اجرای عدالت و پشتیبانی از حقوق شهروندان را به عهده قوه قضائیه نهاد است. تردیدی وجود ندارد که در بطن مفهوم عدالت مفهوم بی‌طرفی قرار دارد و تنها یک قوه قضائیه بی‌طرف می‌تواند دادگستر و دادبان باشد. شرط بی‌طرفی استقلال است و استقلال قضایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تضمین سلامت و شرافت قضا مفهومی است که وضعیت مطلوب قوه قضائیه را بیان می‌کند و این معنا را در برمی‌گیرد که قضات و قوه قضائیه به‌عنوان یک کل، باید آزاد از هرگونه اعمال نفوذ و تأثیرپذیری عمل کنند. (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴)

حساسیت موقعیت قوه قضائیه چنان استقلالی را می‌طلبد که با استقلال سایر دستگاه‌های عمومی تفاوت کلی و اصولی دارد و همچنین یکی از ارکان استقلال ملت می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۳) استقلال قضایی، همانند بی‌طرفی، باید هم واقعاً و عملاً وجود داشته باشد و هم اینکه مشهود بوده و دیده شود به طوری که از دید یک انسان معقول و متعارف، بیم نقض استقلال وجود نداشته باشد. (ناجی زواره، ۱۳۹۴: ۷۹) استقلال قضایی در معنای واقعی خود، تأمین استقلال و بی‌طرفی قاضی را می‌طلبد. بدین معنا که قضات در شرایطی باشند که بتوانند تنها با در نظر گرفتن قانون، عدالت و انصاف به صدور رأی پردازند و درنهایت از رفتار مستقلانه‌ی خود، ترس و هراسی از انفصال تنزیل رتبه و مقام و تغییر محل خدمت و به خطر افتادن موقعیت شغلی خود به دل راه ندهند. (مظفری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۹)

اگر استقلال در قضا و داوری نسبت به مجموعه قضات، مسئولان و مدیران قضایی یک حکومت مطرح شود «استقلال قوه قضائیه» نامیده می‌شود؛ مگر در مورد هر کدام از قضات و شخص قاضی اعم از حکومتی و غیر حکومتی مطرح شود آن را «استقلال قاضی» می‌گویند. بنابراین تعریف، اصل و منشأ استقلال قوه قضائیه همان استقلال قضات و قاضی است که جزء به کل منتقل می‌شود. استقلال قوه قضائیه آن را مستلزم برخورداری از صلاحیت انحصاری نسبت به موضوعات دارای ماهیت قضایی می‌کند، این بدان معناست که تصمیمات دادگاه‌های قضایی نباید توسط مقام غیر قضایی به ضرر یکی از طرفین تغییر یابد.^۱

۱. در حکومت‌های مدرن مبتنی بر قانون اساسی، اصل استقلال قضایی از نظریه تفکیک قوا ریشه گرفته است؛ جایی که قوه مجریه، مقننه و قضائیه سه شاخه اصلی حکومت را تشکیل می‌دهند و نظام دوطرفه نظارت و تعادل باهدف ممانعت از سوءاستفاده هر یک از این قوا به ضرر یک جامعه آزاد شکل می‌گیرد. این استقلال به این معناست که قوه قضائیه هم به‌عنوان یک نهاد و هم قضاتی که در خصوص پرونده‌های خاص تصمیم‌گیری می‌کنند، باید قادر باشند مسئولیت حرفه‌ای خود را بدون تأثیر گرفتن از قوای مجریه و مقننه یا هر منبع غیر مرتبط دیگری اعمال کنند (برای اطلاعات بیشتر تر. رک به کمیساریای حقوق بشر، ۱۳۹۹).

۱-۲. مبانی و دلایل استقلال قضایی

۱-۲-۱. قرآن و روایات و استقلال قضایی

بر اساس آموزه‌های اسلامی قضاوت اولاً و بالذات شأنی از شئون پروردگار است. خداوند متعال در قرآن کریم به «خیر الحاکمین و احکم الحاکمین» معروف می‌باشد. پیامبران الهی بنا بر جانشینی خداوند متصدی امر قضا می‌باشند و خداوند در قرآن در آیه ۲۶ سوره «ص» به آن‌ها امر نموده که بین مردم با حق داوری نمایند. «فاحکم بین الناس بالحق». (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۲)

اهمیت قضاوت در اسلام سبب شده تا در آیات و احادیث، اشارات و توصیه‌های فراوانی در خصوص تبیین جایگاه قضاوت و تلاش برای توسعه عدل و قسط ارائه شود. (امیری، ۱۳۹۲: ۹۳)

مهمترین امر در استقلال قضایی، روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده که می‌فرماید: «اعطاء کل ذی حق حقه» که حضرت امیر در تفسیر این روایت می‌فرماید: عدالت به معنای آن است که حق به حق‌دار برسد. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «الناس کا سنان المشط» مردم مثل دندان‌های شانه هستند و همه باهم برابرند، یا فرمود: «ان ربکم واحد و ان اباکم واحد، کلکم من آدم و آدم من تراب» یعنی هیچ ملاحظه‌ی شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدیمی بر غیر مبنای فضیلت و تقوا و عمل و لیاقت نباید در کار باشد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۵۳-۲۵۴)

تبعیت نکردن از امیال و خواهش‌های نفسانی مهم‌ترین مقوله برای حفظ استقلال قضایی است در قرآن کریم در برخی آیات به استقلال قضایی اشاره شده که بیانگر اهمیت دادن به این اصل حیاتی است. چنانکه خداوند قضاوت را مورد خطاب قرار می‌دهند و در سوره نساء می‌فرماید: ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر پدر و مادر و خویشان شما باشد، برای هر کس شهادت می‌دهید چه فقیر چه غنی شما نباید در حکم و شهادت طرفداری از هیچ کدام کرده و از حق عدول نمایید که خداوند به رعایت حقوق آن‌ها اولی است. پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت را نگه‌دارید و اگر زبان را در شهادت طوری بگردانید و یا از بیان حق خودداری کنید خداوند به هر چه می‌کنید آگاه است». (قرآن کریم، سوره نساء: آیه ۱۳۵) در مجموع بحث استقلال قضایی در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است چراکه این امر با مقوله عدالت اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد.

۱-۲-۲. ایده حقوق بشر و استقلال قضایی

قوه قضاییه تنها با نوع بشر سروکار دارد، چه شخص حقیقی یا حقوقی، پس این قوه بیشترین دقت خود را باید در نحوه اجرای صحیح عدالت به کار ببرد. این هم بیشتر در موارد جزایی و کیفری نمایان می‌شود، زیرا مجازات‌های آن به جسم و روح انسان آسیب جدی می‌رساند و یا حتی منجر به مرگ شخص می‌شود که امری جبران‌ناپذیر است؛ پس دستگاه قضایی باید با قدرت تمام در مقابل دخالت سایرین بایستد و حقوق بشری را احیا نماید. مهم‌ترین وظیفه‌ی قوه قضاییه حمایت از

شهروندان در مقابل زیاده‌خواهی افراد است؛ زیرا انسان زمانی به جرم و خیانت دست می‌زند که احساس طمع و زیاده‌خواهی کند و در این زیاده‌خواهی، حقوق افراد ضایع می‌شود و تنها ملجأ این افراد دستگاه قضایی می‌باشد. اگر دستگاه قضا با این افراد زیاد خواه مرتبط باشد تنها اتفاقی که می‌افتد این است که حقوق افراد بی‌گناه ضایع می‌گردد و اعتماد مردم از دستگاه قضایی از بین می‌رود.

از آنجا که وظیفه قضات فصل دعاوی بین اصحاب دعوا است، جایگاه آنان در جامعه اعتبار خاصی دارد، زیرا حکمی که آنان صادر می‌نمایند به نفع یا ضرر برخی از افراد می‌باشد و اقتضا دارد که قضات مورد اعتماد شهروندان باشند تا ضمن آسودگی خاطر جهت حفظ حقوق خود و اجرای عدالت، دستگاه قضایی را تنها ملجأ خویش بدانند. پس این مهم زمانی رخ می‌دهد که قضات از جانب‌داری خاص از یکی از اصحاب دعوا پرهیزند و تنها قانون و ادله موجود در پرونده را ملاک قرار دهد. (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹) لذا دستگاه قضایی به‌عنوان متولی اصلی اقامه عدل، گرچه خود بخشی از حکومت است، باید پناهگاه شهروندان در مقابل زیاده‌خواهی اصحاب قدرت و متعرضین به قانون باشد و مانع سوءاستفاده از قدرت توسط سایر نهادهای حکومتی و غیر حکومتی گردد و از حقوق شهروندان حمایت کند. حق محاکمه در دادگاهی مستقل و بی‌طرف آن قدر اساسی است که کمیته حقوق بشر چنین اظهارنظر کرده «آن حتی مطلق است که استثناء بردار نیست». طبق کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، تضمینات اساسی قضایی لازم برای حمایت از حق برخورداری از قوه قضائیه صلاحیت‌دار و بی‌طرف حتی در شرایط اضطراری نیز نباید معلق شود. (طه و اشراقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

۱-۲-۳. حقوق بشر اسلامی و استقلال قضایی

از سوی سازمان کنفرانس اسلامی سه سند در رابطه با حقوق بشر منتشر شده است. سند سوم «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام» نام دارد در سال ۱۹۹۰ در نوزدهمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در قاهره به تصویب رسید و در واقع جدیدترین و شاید بتوان گفت رسمی‌ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. (مهرپور، ۱۳۸۹: ۴۳) این اعلامیه در ماده ۱۹ در بند «ه» مقرر می‌دارد که: «متهم بی‌گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد». از آنجا که اولین تضمین بنیادین دادرسی عادلانه مورد اشاره‌ی فوق این است که نباید تصمیمات قضایی توسط نهادهای سیاسی اتخاذ شود، بلکه باید توسط دادگاهی مستقل، صلاحیت‌دار و بی‌طرف صورت پذیرد، به نظر می‌رسد که استقلال قضایی مورد تأکید این اعلامیه و از تکالیف دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تضمین حق بر دسترسی به دادرسی عادلانه است. (روستایی حسین آبادی و علی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴)

۱-۲-۴. تضمین استقلال قضایی

استقلال قضایی وقتی است که قضات، در مقابل دادرسی صرفاً بر اساس موازین قانونی و دستورات وجدانی خود به‌دوراز هرگونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نمایند. در این ارتباط «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشد» و «قضای موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد...» منظور از استقلال قضایی این است که به هنگام رسیدگی به دعوی و صدور رای، اصول آیین دادرسی و حقوق طرفین را رعایت نموده و به‌دوراز هرگونه اعمال نفوذ مقامات و نهادهای دیگر صرفاً بر اساس ادعا و اسناد و مدارک مطرح شده از سوی طرفین دعوی، قوانین و مقررات موجود، اصول عدالت و دادرسی عادلانه، بی‌طرفی و انصاف و علم منطقی و عقلایی خود حکم صادر نماید. وجه تضمین استقلال قضایی در اصل ۱۶۴ قانون اساسی بیان شده است. قضات در انجام وظیفه دادرسی نباید تحت فشار و اعمال نفوذ دیگر قوای حاکم باشند؛ زیرا مشاهده می‌شود که دستگاه‌های دیگر، به‌ویژه قوه مجریه با بهانه قرار دادن منافع و مصالح عمومی، در مقابل دستگاه قضایی ایستادگی نموده و حتی به فرض صدور حکم محکومیت نسبت به آن تمکین نمی‌کند.

دستگاه قضایی برخلاف قوه مجریه که در آن اعمال سلسله‌مراتب اداری به‌عنوان اصل اساسی مطرح می‌باشد، هیچ‌گونه اشراف و ولایتی به عمل قضایی قضای ندارد و هیچ‌گونه سلسله‌مراتب اداری و سازمانی بر رفتار قضایی قضای حاکم نمی‌باشد. بنابراین دستگاه قضایی، ضمن این که استقلال خود را از سایر قوا حفظ می‌کنند، موظف به رعایت و حفظ استقلال قضایی نیز می‌باشد و همواره باید مراقب اصل بی‌طرفی در دادرسی بوده و قضات را در خصوص حمایت و هرگونه فشار را از آن دور نماید. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۸۱)

بدیهی است که تشکیل سازمان‌ها و تشکیلات موازی با قوه قضائیه با هر دلیلی که ارائه شود، به خاطر فقدان و یا نقص مقدمات و موضوعات و اسلوب‌های لازم برای امر قضا نه تنها مفید نیست، بلکه برای جامعه زیان‌بار نیز می‌باشد. آنچه از استقلال قوه قضائیه مراد است، استقلال در دادرسی و بی‌طرفی در قضاوت است به‌گونه‌ای که هیچ‌اراده سیاسی و غیرسیاسی، هرچند بانگیزه‌های موجه بر قضای حاکم نباشد، بلکه قضای راساً و با استقلال تمام، قادر به تشخیص و اعمال حق باشد. برای تأمین بی‌طرفی کامل قضات اصل منع عضویت یا شبهه وابستگی آنان و گروه‌های سیاسی نیز باید به‌ویژه مورد توجه قرار گیرد. آلودگی محیط دستگاه قضایی به جانب‌داری از قدرت سیاسی یا هر نوع جریان فکری خاص، مخرب‌ترین آفت برای استقلال و بی‌طرفی محسوب می‌گردد. (جانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۳-۴) هرچند به دلیل انتخاب مستقیم رئیس قوه قضائیه مستقیماً توسط مقام رهبری، این قوه اقتدار و نفوذ زیادی بر سایر قوا دارد، اما لوایح قضایی که توسط قوه قضائیه تهیه می‌شود و نیز لایحه بودجه سالانه کل کشور توسط دولت به تصویب می‌رسد و به‌طور کلی بر

اساس اصل ۱۲۶ قانون اساسی امور مالی و استخدامی از وظایف قوه اجراییه است. بعضی اقدامات قوه مقننه نیز بر قوه قضائیه بی‌اثر نیست؛ به طوری که وظیفه قوه قضائیه در اعمال صلاحیت خود اصولاً مستلزم اجرای قوانین مدون قوه مقننه است؛ و رسیدگی به شکایات مردم از قوه قضائیه طبق اصل ۹۰ قانون اساسی؛ نیز بر عهده قوه مقننه است و مجلس موظف است در صورت شکایت مردم از قوه قضائیه از آن‌ها پاسخ کافی بخواهد. (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

۱-۲-۵. امر قانون و ضرورت حفظ حقوق عمومی

به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد». همچنین ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ صراحتاً به تکلیف قاضی مبنی بر رسیدگی و صدور حکم اشاره کرده است و تخلف قاضی از این حکم را مستلزم مجازات دانسته است. بنابراین با توجه به این که قاضی ملزم به رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آن‌ها و حفظ حقوق عمومی است، عقلاً و منطقاً نمی‌توان وی را به خاطر انجام وظایف قانونی‌اش مورد تعقیب قرار داد، هر چند دچار خطا و اشتباه گردد؛ مگر آن که سوءنیت وی محرز شود و یا مرتکب تخلف قضایی گردد. از طرفی ضرورت ارائه خدمات عمومی ایجاب می‌نماید برای جلوگیری از گریزان شدن مأموران خدمات عمومی از تصدی این مشاغل، برای آن‌ها یکسری تأمینات شغلی در نظر گرفته شود. (حبیب زاده و اسدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

۲. بررسی استقلال قضات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی استقلال قضایی قوه قضائیه و قضات و تفکیک از قوای دیگر به رسمیت شناخته شده؛ قضات نیز که در حقیقت جلوه خارجی و اعضاء اعمال‌کننده وظایف قوه قضائیه هستند از استقلال قضایی برخوردار شدند استقلال قاضی بر طبق مبانی اسلامی عبارت است از اینکه: قاضی در دادن حکم بر طبق تشخیص خودش عمل کند؛ و مثل سایر کارمندان دولت نیست که اگر والی دستوری به او داد. او باید آن دستور را انجام دهد. سمت او عبارت است از اینکه: به دعوی رسیدگی کند و با بی‌طرفی و استقلال کامل رأی بدهد. برای اینکه این استقلال عینیت پیدا کند؛ باید یک مقدار از نظر قوانین شغل و اداری و مالی زمینه‌هایی فراهم کرد. طبق اصل ۱۴۴ ق.ا. جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد و یا اینکه بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد؛ مگر به اقتضای مصلحت جامعه اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضایی با اتفاق آراء، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق

ضوابط کلی که قانون تعیین می کند؛ صورت می گیرد. در اصل فوق ابتدا سعی شده است تا از تبدیل و تفسیر قضات که ناشی از اغراض شخص باشد جلوگیری کند و درعین حال به قضات اجازه ندهد که با ماندن در یک سمت عامل مفسده‌ای در جامعه باشد که در اثر ارتباط نزدیک با قاضی ممکن است حاصل شود. برابر قانون اساسی مواردی که می توان قاضی را از سمت قضایی اش تغییر دارد عبارت‌اند از:

۱- اتهام قاضی به ارتکاب جرم و اثبات آن در محکمه انتظامی؛

۲- اتهام قاضی به تخلف و اثبات آن؛

۳- جلب رضایت: آسان‌ترین راه تغییر سمت یا محل خدمت قاضی جلب رضایت اوست. نقل و انتقال دوره‌ای قضات که در جمله پایانی اصل مذکور ذکر گردیده بود؛ باید بر اساس ضوابطی که قوانین عادی شخص می نمود صورت می پذیرفت.

بدیهی است تغییراتی که به صورت دوره‌ای انجام می پذیرفت ارتباطی با تزلزل استقلال قضات نداشت همچنین بر اساس اصل ۱۶۳، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود. این اصل نیز راه را بر هر گونه اعمال نفوذ و ورود عناصر مخرب به دستگاه قضایی بسته است و به نوعی استقلال قضات را بر طبق موازین شرعی متذکر شده است. بر طبق اصول قانون اساسی بودجه سالانه کل کشور باید از طرف دولت تهیه و برای تصویب به مجلس ملی تقدیم می شد. شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۳ از شورای نگهبان در خصوص مشاغل متعدد قضات استعلام کرد. پاسخ شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۸ که با رأی اکثریت اعضا صادر شد چنین بود که: قضاتی که طبق بند سوم اصل ۱۵۷ قانون اساسی از طرف شورای عالی قضایی استخدام و عزل و نصب آن‌ها شورای مزبور می باشد، نمی توانند نماینده مجلس شورای اسلامی باشند. بنابراین در حقوق اساسی جمهوری اسلامی شاخص عدم نفوذ و تأثیرپذیری قضات، که یکی از راه‌های نفوذ همان داشتن شغل اداری و به تبع آن اطاعت از دستورات مافوق بر اساس سلسله مراتب اداری است، پذیرفته شد. و به این طریق استقلال قضات را تحکیم بخشیده است. در خصوص وظایف قضات در حفظ استقلال قضایی خود نیز، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اصولی را متذکر گردیده است تا قضات با رعایت آن اصول از هر گونه اعمال نفوذ و دخالت اشخاص دیگر بر روی آراء و نظراتشان جلوگیری کنند. بر طبق اصول ۱۶۶ و ۱۶۷: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. هم چنین قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیاید و اگر نیابد با استناد و به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر حکم را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد، در اصل ۱۷۰ نیز نکته‌ای در باب استقلال قضایی به چشم می خورد. بر اساس این اصل نه تنها از دخالت قوه مجریه و اعضاء آن در

کار قضایی ممانعت به عمل آمده است بلکه مقرر گردیده است که قضات مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری ورزند. در سال ۱۳۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بازنگری قرار گرفت و چندین اصل از آن تغییر، اصلاح یا تکمیل شد و مواردی از آن دست‌نخورده باقی ماند؛ بنابراین آن‌ها همچنین به قوت خود باقی ماند اما اصولی که تغییر کرده است همچنین به قوت خود باقی است اما اصولی که تغییر کرده‌اند؛ به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. از جمله مواد تغییر در اصل ۱۶۷ است که مسئولیت‌های قوه قضاییه به یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی واگذار گردید و سیستم شورایی جای خود را به سیستم تمرکز داد. همچنین اصل ۱۶۰ مورد بازنگری قرار گرفت و اختیارات وزیر دادگستری در مقایسه با قانون اساسی سال ۱۳۵۸ افزایش یافت اما اصل دیگری که تغییر یافت اصل معروف ۱۶۴ بود که این چنین تغییر کرد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به‌طور موقت یا دائم منفضل کرد یا بدون رضایت او محل سمت یا خدمتش را تغییر داد، مگر به اقتصادی مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با ریس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌های قضاوت بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد».

تغییر عمده‌ای که در این اصل در مقایسه با اصل ۱۶۴ قانون اساسی سال ۱۳۵۸ دارد واگذار کردن تشخیص مصلحت به رئیس قوه قضاییه است در مواردی که مصلحت اقتضا می‌کند پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور در خصوص تغییر محل خدمت قاضی تصمیم نهایی اتخاذ می‌کند. در بازنگری سال ۱۳۶۸ چون رئیس قوه قضاییه جایگزین شورای عالی قضایی شد. این اتخاذ تصمیم فقط به عهده رئیس قوه قضاییه می‌باشد؛ هر چند تصمیم مذکور پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل قابل اتخاذ می‌باشد اما به هر حال نظرات مشورتی این مقامات اگر تا حدی مؤثر باشد تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری قوه قضاییه نخواهد بود. اما به هر حال از آنجا که رئیس قوه قضاییه فردی مجتهد و آگاه به امور قضایی است و دقیقاً بر اعمال و نظرات قضات اشراف کامل دارد. بنابراین بدون هیچ ضابطه‌ای دست به تغییر محل یا سمت قاضی نخواهد زد. ولی به هر حال بهتر است قوانین عادی ضوابط دقیق و اصولی مصلحت جامعه و حدود اختیارات قوه قضاییه را مشخص کنند.

۳. تضمینات استقلال ساختاری قوه قضاییه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی سخت‌گیرانه، استقلال ساختاری قوه قضاییه را در چند اصل مورد تضمین قرار داده است. موارد تضمین قانونی استقلال ساختاری را در اصول و موارد زیر می‌توان اشاره کرد: اصل ۵۷ و ۶۱ قانون اساسی با شناسایی اصل تفکیک قوا، سنگ

بنای تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه را گذاشته است. اگرچه سیستم تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران نوعی تفکیک نرم و نسبی است و قوه مقننه و مجریه از ابزارهای تأثیرگذاری و نظارت بر یکدیگر برخوردارند، اما در مورد قوه قضاییه این سیستم، نوعی تفکیک سخت است و قوه قضاییه نه در برابر مجلس شورای اسلامی و نه در برابر قوه مجریه پاسخگو نیست.

قوه مجریه و مقننه مطابق اصل تفکیک قوا، نه تنها از دخالت در امر قضایی منع شده‌اند، بلکه فاقد ابزارهای مؤثر نظارت بر قوه قضاییه هستند. قانون‌گذار اساسی بار دیگر در اصل یک‌صد و پنجاه و ششم با استعمال صریح لفظ «مستقل» در مورد قوه قضاییه تأکید می‌کند که «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است...». در امور اداری و استخدامی قوه قضاییه مطابق اصل ۱۵۸ قانون اساسی، بر عهده رئیس قوه قضاییه منصوب مقام رهبری است و وزیر دادگستری برخلاف دوره مشروطه که به‌عنوان عضو قوه مجریه در صدر قوه قضاییه و دارای اقتدارات زیادی در امور قضایی و اداری و تشکیلاتی بود، بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای نقش بسیار محدودی است و اختیارات وی در دو امر روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه و نیز اختیارات مالی و اداری و استخدامی غیر قضات که رئیس قوه قضاییه به وی تفویض می‌کند، خلاصه شده است. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۱۲)

۴. تأثیر تضمین استقلال ساختاری و تشکیلاتی قوه قضاییه بر استقلال قاضی

نگاه سخت‌گیرانه قانون‌گذار اساسی ایران در خصوص استقلال برون‌سازمانی دستگاه قضایی، بدون شک کمک شایانی به قضاوت قوه قضاییه می‌کند که بدون تأثیرپذیری از جانب قوه مقننه و مجریه به دادرسی بپردازند. اما علی‌رغم توجه خاص قانون‌گذار اساسی به استقلال برون‌سازمانی قوه قضاییه، موردی نیز وجود دارد که استقلال ساختاری درون‌سازمانی قوه قضاییه را با تهدیداتی مواجه ساخته است و می‌تواند بر استقلال قاضی تأثیر نامطلوب داشته باشد. وجود رئیس قوه قضاییه که یک مقام سیاسی انتصابی است و اختیارات وسیع این مقام در امور اداری، استخدامی، انتظامی و شغلی قضات و همچنین صلاحیت هنجار سازی وی در قالب بخشنامه‌های قضایی می‌تواند به نحو غیرمستقیم، ناقض استقلال شخص قاضی در عمل قضایی باشد. تنها شاید شرط شایستگی که قانون اساسی برای رئیس قوه قضاییه در نظر گرفته است «همچون فقاقت، عدالت، مدیریت و تدبیر» بتواند این ایراد را رفع کند. درواقع باید گفت قوه قضاییه ایران از استقلال برون‌سازمانی بالایی برخوردار است، اما دارای استقلال درون‌سازمانی متزلزلی است. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۱۳)

۴-۱. تضمین یکپارچگی قوه قضاییه

تأکید قانون اساسی ایران در اصل ۵۷-۶۱ و ۱۵۶ بر استقلال قوه قضاییه و تصریح به لزوم (تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضاییه) در سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱، بسیار مهم و ضروری است، لکن این امر به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه یکپارچگی قوه قضاییه باید در عمل تأمین شود. این شرط از طریق ممنوعیت ایجاد هرگونه دادگاه اختصاصی یا موقتی خارج از ساختار قوه قضاییه برای محاکمه اشخاص معین و یا برای رسیدگی نسبت به موضوعات خاص محقق می‌شود. به عبارت دیگر باید حاکمیت قوه قضاییه بر همه موضوعاتی که به وظایف آن مرتبط هستند توسعه یابد و خارج کردن رسیدگی به هرگونه دعوایی از حوزه آن، ولو به حکم قانون، ممنوع گردد و در هیچ صورتی مشارکت نهادی خارج از این قوه در امور قضایی مجاز شمرده نشود. این الزام که مستظهر به اصول یادشده و اصل ۳۶ ق.ا است با ایجاد مراجع اختصاصی خارج از قوه قضاییه و گسترش صلاحیت دادگاه‌های نظام منتفی می‌گردد. شرط یکپارچگی، علاوه بر اینکه یکی از شرایط اساسی تحقق استقلال قضایی است، موجب تأمین حق محاکمه در دادگاه عادی که در اصل پنجم از اصول اساسی استقلال قضایی مورد تأکید قرار گرفته است می‌گردد. (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱)

۴-۲. استقلال فردی قضا در ایران

قضا در رسیدگی پرونده‌ها و دعاوی که به آن‌ها محول گردیده است از نظر قانون دارای استقلال رأی هستند و دادگاه عالی انتظامی نیز از نظر حسن اجرای قوانین در ارشاد قضات سهم به سزایی را واجد است. (امینان، ۱۳۵۰: ۳۳-۳۲) سپس در صورت حفظ و استقلال رأی و بی‌نظری قاضی، مردم از اجرای قوانین و عدالت به نحو صحیح و بدون هیچ‌گونه تبعیضی برخوردار و از مزایای امنیت فردی و اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند گشت. (امینان، ۱۳۵۰: ۳۴) پرواضح است که با توجه به اهمیت جایگاه قضاوت، قاضی در اکثر نظام‌های حقوقی از نوعی مصونیت برخوردار است تا به لحاظ تصمیماتی که اتخاذ می‌نماید، تحت فشار قرار نگرفته و در صدور رأی خاطری آسوده داشته باشد و تمرکز خود را در کشف امور موضوعی و حکمی در دعاوی مطروحه نماید.

۵. سازوکارهای تضمین استقلال فردی قاضی در ایران

در اهمیت کار دستگاه قضایی و دشواری تأمین عدالت تردیدی نیست و چون عدالت مهم‌ترین نیاز جامعه اسلامی محسوب شده و نظام اجتماعی به عدل وابسته است، در دستگاه قضایی بار این مسئولیت سنگین بر عهده دست‌اندرکاران امر قضا قرار گرفته است. تا نیمه اول قرن بیستم در غرب، قضاوت به موجب وظیفه خطیر و حساس خود از مصونیت مطلق قضایی برخوردار بودند، به تدریج این مصونیت مورد انتقاد قرار گرفت. زیرا هرچند که شغل قضاوت اقتضا دارد که قضاوت مانند سایر

افراد برای تصمیمات متعددی که در راستای حرفه خود اتخاذ می کنند، ترس از مسئولیت نداشته باشند تا بتوانند با خاطری آسوده جوانب پرونده را بررسی کرده و تصمیم مناسب بگیرند، لیکن مصونیت مطلق می تواند منجر به اهمال قضات در انجام وظایف قانونی شان شود. به همین جهت، در حال حاضر تقریباً نظام های حقوقی بزرگ قائل به مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی هستند. (صفایی و راضی، ۱۳۹۹: ۱۲۴) در ایران نیز قانون گذار در اصل (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت مدنی قاضی را مورد شناسایی قرار داد. البته پذیرش ضمان قاضی در تمامی موارد تقصیر، حتی بدون سوءنیت و تعمد در حصول ضرر، متناسب با این شغل مهم و خطیر نیست، زیرا موجب عدم تصدی این شغل به وسیله افراد شایسته و در نهایت منجر به تعطیلی قضا خواهد.

۵-۱. مصونیت مدنی قاضی

اصل مصونیت قضات حاصل تجربه ای ارزشمند است که در گذر از استبداد به دموکراسی، قضات دست نشانده فرمانروایان مستبد را تبدیل به قضات مستقل و مقتدر برای اجرای عدالت نموده است. اصل مصونیت به این معنا نیست که برای شخص قضات امتیاز مخصوصی در نظر گرفته شود؛ زیرا قضات در امور شخصی با سایر مردم تفاوتی ندارند؛ بلکه این اصل، مصونیت ویژه ای است که در کار قضایی به کار گرفته می شود تا وثیقه مطمئنی برای صحت دادرسی باشد. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۳۹۰) یکی از مهم ترین شرایط تضمین استقلال فردی قضایی، اعطای مصونیت مدنی به قضات است. با توجه به حساسیت منصب قضاوت و پیچیدگی های آن و به منظور حفظ استقلال قضایی، قضات باید از مصونیت بهره مند گردند. قضات باید در برابر اقامه دعوی حقوقی برای خسارات فعل یا ترک فعل های نادرست در اجرای وظایف قضایی شان از مصونیت فردی بهره مند باشند. دولت نیز مسئول جبران خسارت اصحاب دعوا باشد. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۶)

۵-۲. مصونیت شغلی قاضی

مهم ترین مبنای تضمین استقلال فردی قضات، تضمین مصونیت شغلی دادرسان محاکم است. مصونیت شغلی یا امنیت شغلی قاضی به ای مفهوم است که به سبب اتخاذ تصمیمات قضایی نتوانند در معرض تهدیدات شغلی قرار گیرند؛ چه در غیر این صورت قاضی همواره از نتیجه تصمیم خود و اینکه ممکن است به از دست دادن شغل و یا تغییر وضعیت شغلی (مانند تغییر محل خدمت یا سمت) منجر شود، نگران خواهد بود. این امر به طور جهانی پذیرفته شده است که هنگامیکه قضات بتوانند به سادگی و یا دلبخواهانه عزل شوند و یا تغییر در وضعیت شغلی آن ها ایجاد شود، آسیب پذیری بیشتری در قبال فشارهای داخلی و یا خارجی نخواهند داشت و نمی توانند به نحو مستقل به دادرسی بپردازند. جایگاه و موقعیت ویژه دادرسان سبب گردیده است که امروزه در

اغلب نظام‌های حقوقی جهان، امتیازها و مصونیت‌های قانونی خاص برای آنان به رسمیت شناخته شود. در تبیین فلسفه وجودی این گونه امتیازها، نظریه‌های مختلف همچون «نظریه حُسن خدمت»، «اعتبار شخصیت حقوقی دادرسان» و «رعایت مصلحت و ضرورت انجام وظیفه» مطرح گردیده است (حیب زاده و اسدی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). به دیگر سخن اصل امنیت شغلی و مصونیت شخصی از جمله شرایطی است که قضات با دارا بودن آن، بدون هیچ دغدغه خاطری قادر به رسیدگی و صدور احکام مستند و مستدل خواهند بود. با وجود این امکان عزل قضات به سبب فقدان صلاحیت امر قضا توسط محکمه عالی انتظامی قضات، موضوع قانون رسیدگی به صلاحیت قضات. (مصوب ۱۳۷۶/۳/۱) از آنجاکه ممکن است رسیدگی و صدور حکم به صورت غیابی و بدون حضور قاضی مشتکی عنه و محکوم صورت گیرد، می‌تواند نسبت به تأمین استقلال قاضی نگران‌کننده باشد. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۹۶)

برکناری مقامات قضایی نباید به آسانی صورت گیرد بلکه ایشان باید ر این صورت از تضمینات راجع به استماع منصفانه شامل حق برخورداری از وکیل و تجدیدنظر مستقل از تصمیمات انتظامی برخوردار باشند. مسئله ارتقا و نقل و انتقال نیز می‌تواند به عنوان حربه‌ای علیه قضات به کار برده شود. به همین خاطر ارتقا و نقل و انتقال مقامات قضایی باید بر اساس معیارهای عینی به‌ویژه توان، درستکاری و تجربه و با رضایت قاضی صورت پذیرد. شورای نگهبان نیز در نظریه تفسیری (شماره ۴۴۸-۱۳۶۹/۴/۲۳) بیان می‌کند: استثنایی مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی (مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت بدون رضایت او محل خدمت یا سمتش را تغییر می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد.

بحث و نتیجه گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی موضوع استقلال قضایی مورد عنایت ویژه قانون گذار اساسی قرار گرفت. جدای از اصول کلی در مورد قضاوت، اصل استقلال قضایی که زیربنا و محور دیگر قواعد قضایی است، در اسلام به رسمیت شناخته شده است. قاضی که نگهبان قانون و متعهد به اجرای آن است دارای شرایط و صفاتی می باشد که با آن شرایط قضاوت کاملاً تضمین شده خواهد بود. قاضی باید در تصمیم گیری و صدور رأی دارای استقلال باشد؛ اما قبل از آن قوه قضاییه این درخت تنومند که شامل همه قضات است، باید دارای استقلال باشد. استقلال قضات تحت مفهومی عام تر با عنوان استقلال قوه قضائیه و نهاد دادگستری مطرح می شود و یکی از اصول مسلم رسیدگی عادلانه است. اصلی ترین توقع از دادرسی، اجرای عدالت است. طرفین دعوی بیش از این که عدالت در روند دادرسی را بخواهند، عدالت در نتیجه دادرسی یعنی حکم قضایی را خواستارند. قضات در مقابل دادرسی باید صرفاً بر اساس موازین قانونی و دستورات وجدانی خود به دوراز هر گونه نفوذ یا فشار درونی مبادرت به صدور حکم نمایند. بنابراین می توان گفت لازمه اجرای عدالت این است که قضات و مجریان عدالت بتوانند بدون فشار و اعمال نفوذ به وظایف خود عمل کنند. استقلال قضات این اطمینان خاطر را برای متهم فراهم می کند که اگر بی گناه باشد هیچ فرد یا مقامی نمی تواند با اعمال نفوذ موجب جلوگیری از صدور حکم برائت شود و در صورت مجرمیت نیز هیچ عاملی مانع اجرای عدالت در مورد وی و احیاناً افزایش مجازات نخواهد شد.

از جهت استقلال ساختاری قوه قضاییه، نظام حقوقی ایران تضمینات قوی را پیش بینی کرده و راه را بر هر گونه اعمال نفوذ قوه مقننه و مجریه بسته است. اما برداشت ناصحیح از اصل تفکیک قوا، نظارت ناپذیری قوه قضاییه و وضعیت متزلزل استقلال درون سازمانی از چالش های امروری نظام قضایی ایران است. در مورد سازوکارهای تضمین استقلال فردی قضات که اهمیت بیشتری در ارتقای استقلال قضایی دارند، باید خاطر نشان کرد که به نحو شایسته مورد تضمین قانون گذار ایرانی قرار نگرفته است. رجوع به پیشینه قانون گذاری و بررسی تحولات آن حکایت از آن دارد که استقلال فردی قضات در نظام حقوقی ایران مورد عنایت قرار نگرفته است. اصلاحات قانونی و گنجاندن معیارهای صحیح در مقررات مربوط به مدیریت قوه قضاییه و بهبود سازوکارهای تضمین استقلال فردی، می تواند تأثیر بسزایی در بهبود وضعیت استقلال قضایی ایران داشته باشد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز بسیاری از اصول مهم و شناخته شده دادرسی های عادی در قوانین موضوعه پیش بینی شده و کلیه اصول موجود در اسناد بین المللی من جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در حقوق اساسی ایران و قوانین مصوب داخلی وجود داشته و مورد عنایت قانون گذار بوده و با خلأ تقنینی خاصی مواجه نیستیم. بعضی موارد ابهام و اجمال قوانین سبب می شود که دادرسی عادی مورد تردید قرار گیرد. با توجه به اصل قانونی بودن

دادرسی و قبول فرض صحت احکام، به‌ویژه در سطح مقامات عالی‌رتبه قضایی و تفکیک سیستم قضایی و اداری در ذهن این مقامات، ماهیت نظام قضایی، وجود سلسله‌مراتب و امر و نهی از طریق صدور دستور و بخشنامه را نمی‌پذیرد و نمی‌توان با ایجاد تشکیلات موازی که ماهیت و هدفی صرفاً قضایی و چه بسا قضاوت با سایر مراجع قضایی دارند ساختاری بی‌طرف برقرار کرد، از تشکیلاتی که ساختار طرفدارانه دارد، نمی‌توان انتظار بی‌طرفی داشت. باید با حذف تشکیلات موازی و طرفدار با آیین دادرسی یکنواخت ساختار نظام قضایی کشور را اصلاح و به برقراری سیستم قوی نظارتی بر عملکرد قضات و احکام آنان توأم با حفظ شأن و استقلال قضات نظارت نمود و همه اموری که طبیعت قضایی دارند در قوه قضائیه متمرکز گردد.

در حقوق داخلی نیز اصل ۱۶۴ قانون اساسی تضمیناتی را برای جلوگیری از نقض استقلال قضات و تحت فشار قرار دادن آن‌ها مقرر کرده است. چنانچه برای تغییر سمت قاضی شرایطی در نظر گرفته شود، در صورت رعایت می‌تواند تا حدود زیادی استقلال قضات را تضمین کند.

منابع

* قرآن کریم.

- امیری، آبتین، اهمیت قضاوت و استقلال قضات در حقوق اسلامی، فصلنامه تخصصی حبل المتین، دوره دوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۹۲.
- امیری، محسن و ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳). اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸ (۳): ۱-۲۶.
- <https://clr.modares.ac.ir/article-20-2396-fa.html>
- جانی پور، کرم و همکاران، بررسی استقلال قاضی از منظر فقه و قانون، مجله فقه و تاریخ تمدن، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۹.
- http://ihc.sinaweb.net/article_680366.html
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسدی، فرشته (۱۳۸۷). مسئولیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸ (۴): ۱۸۳-۱۶۱.
- https://ilq.ut.ac.ir/article_27614.html
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم؛ شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۸۹). استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۴ (۴): ۲۳-۵۳.
- <https://clr.modares.ac.ir/article-20-10643-fa.html>
- روستایی حسین آبادی، یاسر و علی نژاد، احمد، استقلال قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۵ (۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- صفایی، سید حسین و راضی، سپیده (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷ (۲۵): ۱۴۸-۱۲۱.
- https://csi.w.qom.ac.ir/article_1649.html
- طه، فریده و اشرفی، لیلیا (۱۳۹۰). دادرسی عادلانه، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کمیساریای حقوق بشر (۱۳۹۹). استقلال و بی طرفی قضات، دادستان‌ها و وکلا، ترجمه آزاده عبدالله زاده، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اساسی نهادهای سیاسی، جلد ۳ تهران، ۱۳۷۸.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، جلد ۲۵، ۱۳۸۴.
- مظفری، حسین، رحیمی، روح اله، شیخ موحد و مقدم فر، محمد (۱۴۰۰). الزامات و مؤلفه‌های امنیت قضایی با تأکید بر تضمین حقوق متهمان و استقلال قضایی، فصلنامه علمی کارآگاه، ۱۵ (۵۷): ۱۴۹-۱۲۹.
- http://det.irl.police.ir/article_97727.html
- مهرپور، حسین، برخورداری قضات ایستاده از استقلال موضوع اصل ۱۶۴ قانون اساسی، مجله حقوق-قضاوت، شماره ۶۷، ۱۳۸۹.
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادگستر، چاپ ششم، پاییز ۱۳۹۴.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴). آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول. تهران: خرسندی.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، جلد دوم، چاپ ۲۱، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۳.